

تحلیل انواع شخصیت و شخصیت پردازی در داستان اهل غرق منیرو روانی پور بر اساس نظریه ریموند برنارد کتل

ام لیلی فلاح تفتی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

lylyf1650@gmail.com

چکیده

منیرو روانی پور (متولد ۱۳۳۳ ه. ش.) از نویسندگان مکتب جنوب است. خصیصه بارز تمام داستان هایش، عناصر ویژه داستانی، طبیعت حاکم بر فضای داستان هاست. در بیشتر داستان های کوتاه و رمان های او، شخصیت اصلی داستان، زن است. او با دیدی اجتماعی در داستان هایش به شخصیت زنان و مسایل آنان می پردازد. ریموند کتل (۱۹۹۸-۱۹۰۵ م.) یکی از مهم ترین نظریه پردازان شخصیت در تاریخ روانشناسی است. نوآوری های او، به یکی از نظریه های پر قدرت صفات (trait theory) یا به عبارت دیگر به عنوان یکی از نظریات وضع موجود (dispositional theory) تبدیل شد؛ چرا که او نظریه ۱۶ عاملی در مورد صفات شخصیت را ارائه داد. استفاده از دستاوردهای دانش روان شناسی در ادبیات، ابزاری سودمند در تحلیل شخصیت ها در متون داستانی است. مقاله حاضر می کوشد به روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر نظریات ۱۶ گانه صفات ریموند برنارد کتل به بررسی انواع شخصیت و شخصیت پردازی در داستان اهل غرق منیرو روانی پور بپردازد. براساس نتایج تحقیق، بیشترین تیپ شخصیت در داستان های منیرو روانی پور براساس نظریات تیپ شخصیتی ریموند کتل، شخصیت خیال پرداز است.

واژه های کلیدی: ریموند کتل، منیرو روانی پور، شخصیت و شخصیت پردازی، اهل غرق.

۱-مقدمه

داستان یکی از مهمترین و موثرترین انواع ادبی قلمداد شده است که تحقیق و غور در ساختار و محتوای آن اهمیت فراوانی دارد. عنصر شخصیت و شناخت آن یکی از ابعاد پردازش داستان است که در نحوه شکل پذیری رمان تأثیر به سزایی دارد. چگونگی پرداخت شخصیت، در ساخت چهره های ماندگار قابل توجه است. شیوه دقیق و متمرکز شخصیت پردازی شکلی منطقی و قابل پذیرش از شخصیت ها ارائه می دهد. این عوامل چونان پلی به سوی شناخت شخصیت درونی نویسنده است که در طی ترسیم روایت، دریچه ای رو به سوی طبیعت، جامعه، انسان ها و غرایز و افکار آنان برایمان می گشاید. شخصیت و انواع آن و چگونگی پردازش شخصیت، از جمله مهمترین و مطرح ترین صنایع داستانی است. تا حدی که بدون شخصیت، هیچ داستانی شکل نمی گیرد. قدرت شخصیت پردازی هر نویسنده، زاینده جست و جوی مداوم او در زندگی واقعی و تبدیل پدیده های آن به شخصیت داستانی است، اما در هر صورت شخصیت باید مناسب با موقعیت و ظرفیت رمان مطرح شود. داستان نویس، اشخاص داستانی خود را به گونه ای پرورش می دهد و کامل می کند که خواننده ویژگی های اخلاقی و روحی شخصیت ها را درک کند و با فضای داستان آشنا شود. در واقع این همان هنر نویسنده در نوع پردازش شخصیت هاست. شخصیت، یکی از عناصر واقعی و عینیت دهنده به زندگی اجتماعی داستان است. انسان و یا به عبارت دیگر شخصیت، اساس و پایه هر داستانی است. بدون شخصیت، هیچ داستانی شکل نمی گیرد و کمتر حادثه ای به وجود می آید؛ در صورت به وجود آمدن هم هیچ تأثیر عاطفی روی خواننده نخواهد گذاشت. در واقع شخصیت های داستانی با مجموعه ای از رفتار، گفتار و افکاری که توسط نویسنده بیان می شوند به وجود می آیند و تنها در همین محدوده می توانند در داستان نقش ایفا کنند. علاوه بر اهمیت شخصیت و شخصیت پردازی در داستان نویسی، شخصیت در روان شناسی هم مهم است و علمای دانش روان شناسی بخشی از مباحث خود را به آن اختصاص داده اند. یکی از نظریه پردازان روان شناسی که توجه خاصی به انواع شخصیت مبذول داشته، ریموند برنارد کتل است

۱-۲- سوال های تحقیق

مقاله حاضر در ضمن بحث به سوال زیر پاسخ می دهد:

- در داستان اهل غرق روانی پور، شخصیت مقبول و مورد تایید براساس نظریه کتل کیست؟
- در داستان اهل غرق روانی پور شخصیت مطرود براساس نظریه کتل کیست؟
- تبیین مؤلفه های شخصیت پردازی در داستان اهل غرق روانی پور براساس نظریه ریموند کتل به چه میزان در شخصیت پردازی راهبردی است؟

۱-۳- سابقه و ضرورت تحقیق

تاکنون در باره تحلیل انواع شخصیت و شخصیت پردازی در داستان اهل غرق روانی پور بر اساس نظریه کتل تحقیقی نوشته نشده؛ اما برخی از آثار مرتبط در این زمینه به شرح زیر است:

نیکو بخت ناصر؛ رامین نیا، مریم (۱۳۸۴)، بررسی رئالیسم جادویی و تحلیل رمان اهل غرق، فصلنامه پژوهش های ادبی، شماره ۸، صص ۱۳۹-۱۵۴. در این مقاله، مبانی رئالیسم جادویی با توجه به دیدگاه منتقدان و صاحب نظران ادبی تعریف و تبیین شده و سپس رمان اهل غرق با توجه به ویژگی ها و مشخصه های رئالیسم جادویی تحلیل شده است.

رضایی، سیده نرگس (۱۳۹۵)، بررسی و تحلیل حضور عناصر فولکلوریک در داستان های منیرو روانی پور (اهل غرق، سیریا سیریا، سنگ های شیطان و کنیزو)، مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره چهارم، بهار، صص ۱۰۳-۱۱۵. نویسنده در این مقاله به حضور عناصر عامیانه جنوب ایران در آثار مشخص شده می پردازد. با توجه به حضور پررنگ افسانه ها و داستان های جادویی جنوب ایران در داستان های روانی پور، نویسنده شیوه رئالیسم جادویی را در بخش هایی از مقاله مورد بررسی قرار می دهد و ارتباط میان این عناصر عامیانه و مؤلفه های رئالیسم جادویی را بررسی می کند.

شخصیت و شخصیت پردازی نقش مهمی در شناخت شخصیت آدمی ایفا می کند و اگر این امر با دانش منتقدان و علمای روان شناختی قرین باشد، مفیدتر خواهد بود و ضرورت این امر را می طلبد.

۱-۴- روش تحقیق

در این مقاله از ابزار کتابخانه استفاده شده است و یافته‌های پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی ارائه می‌شوند.

۲- مبانی نظری تحقیق

۱-۲- نظریه شخصیت برنارد کتل

ریموند برنارد کتل در سال ۱۹۰۵ در شهر استافوردشایر انگلستان به دنیا آمد. (سیاسی، ۱۳۵۴: ۳۱۷). وی در ۱۶ سالگی برای تحصیل در رشته فیزیک و شیمی وارد دانشگاه لندن شد و سه سال بعد با درجه ممتاز فارغ‌التحصیل شد. در مدتی که در لندن بود علاقه او به مشکلات اجتماعی تشدید شد، ولی به این نتیجه رسید که تحصیل در علوم طبیعی او را برای پرداختن به این‌گونه مشکلات مجهز نمی‌کند. او به این نتیجه رسید که بهترین راه‌حل این است که در زمینه بررسی ذهن انسان تسلط یابد.

این، تصمیمی جسورانه در سال ۱۹۲۴ بود زیرا رشته روان‌شناسی در انگلستان فرصت‌های حرفه‌ای ناچیزی را فراهم می‌کرد و فقط شش کرسی استادی در این رشته وجود داشت. روان‌شناسی، رشته‌ای برای آدم‌های غیرعادی محسوب می‌شد. کتل به رغم توصیه دوستان، تحصیلات عالی در دانشگاه لندن را آغاز کرد و در سال ۱۹۲۹ دکترای خود را گرفت. (شولتز، ۱۳۸۴: ۳۰۴).

کتل از پرکارترین دانشمندان روان‌شناس به حساب می‌آید و مقاله‌ها و کتاب‌هایی که نوشته و تست‌هایی که تهیه و تعبیه کرده است فهرست بلندی را تشکیل می‌دهد. او افزون بر ۵۰۰ مقاله و ۴۳ کتاب منتشر کرد، دستاوردی ماندگار که احساس تعهد و پشتکار او را می‌رساند. (شولتز، ۱۳۸۹: ۳۰۶).

کتل هوش را به دو دسته سیال و متبلور تقسیم می‌کند. به عقیده وی، هوش سیال استعداد ادراک کلی است که به کارکرد فیزیولوژیکی مغز وابسته است. اما هوش متبلور به تجربه‌ها، تحصیل و آموخته‌ها وابستگی دارد. همبستگی این دو مؤلفه هوش فرد را به وجود می‌آورد. (پارسا، ۱۳۸۳: ۱۷۳). استفاده از روش‌های تحلیل عاملی شخصیت یک دیگر از ابتکارات کتل بود؛ نظریه شخصیت‌شناسی کتل در دسته نظریه‌های تحلیل عاملی جای می‌گیرد. (کریمی، ۱۳۸۹: ۷۱).

با پیشرفت روش‌های آماری در قرن بیستم و به‌ویژه روش تحلیل عوامل^۲ گرایش عده‌ای از محققان متوجه این روش‌ها برای تجزیه و تحلیل ساختار شخصیت شد. این عده که در حقیقت دنباله‌رو کارهای آمار شناسانی، مانند گالتون^۳ و اسپیرمن بودند، اساساً برای شناخت شخصیت معتقد به تجزیه و خرد کردن آن به اجزاء کوچک‌تر بودند تا بتوان این اجزاء کوچک‌تر را آسان‌تر مورد مطالعه قرار داد؛ مثلاً کسانی چون ترستون و گیلفورد^۴ هوش را با استفاده از روش تحلیل عوامل به عامل‌هایی تجزیه کردند. همچنین کتل و گیلفورد نیز شخصیت را به عوامل تشکیل‌دهنده آن تقسیم کردند. اما نظریه کتل جامع‌ترین و وسیع‌ترین آن‌هاست. (شاملو، ۱۳۸۲: ۱۷۳).

نظریه شخصیت کتل، یکی از مباحث مطرح در روان‌شناسی بوده که به بررسی نظریه شخصیت در دیدگاه کتل می‌پردازد. کتل، موضوع صفات را واحد اصلی بررسی شخصیت می‌دانست و معتقد بود که هدف نظریه شخصیت باید پیش‌بینی رفتار آدمی در شرایط و اوضاع و احوال معین باشد.

کتل با استفاده از درجه‌بندی مقیاس‌هایی که از بررسی کلمات مربوط به شخصیت در زبان انگلیسی به دست آمده بود، داده‌هایی از یک نمونه گسترده از مردم عادی به دست آورد و شانزده عامل شخصیت را از آن‌ها استخراج کرد. (کریستنسن، واگنرهاگ و هالیدی، ۱۳۸۵: ۵۷۲). کتل بر این باور بود که اگر افراد آن میزانی را که از این صفات برخوردارند، اندازه‌گیری کنند، بدین ترتیب، کشف ساختارهای زیربنایی که در همه افراد مشترک است، ممکن می‌شود. کتل، صفت را یک "ساختار

¹ Raymond Bernard Cattell

² factor analysis

³ Francis Galton

⁴ Louis Thurstone & J. P. Guilford

روانی^۵ دانست که از مشاهده رفتار خاص انسان استنباط می‌شود و مسغول نظم و تداوم این رفتار است. (شاملو، ۱۳۸۲: ۱۷۴).

محور اصلی نظریه کتل، تمایزی است که میان دو نوع صفات صوری^۶ و صفات پایه یا عمقی^۷ قایل می‌شود. صفات صوری، مجموعه‌ای از ویژگی‌های رفتار هستند که آشکار و ظاهری‌اند و دوام و ثبات آن‌ها بسیار کم است و در اثر ارتباط صفات عمقی با یکدیگر حاصل می‌شوند. صفات عمقی، منبع و سرچشمه صفات صوری و علت‌های واقعی رفتار آدمی هستند. این صفات بادوام بوده و از نظر کتل اهمیت بیشتری دارند. زیرا به صورت عوامل و پدیده‌های زیربنایی شخصیت عمل می‌کنند. صفات عمقی دو دسته‌اند:

صفات سرشتی^۸ که ارثی‌اند و شخص آن‌ها را با خود به دنیا می‌آورد.

صفات محیطی^۹ که با آموختن و تربیت به دست آمده و حاصل محیط می‌باشند. (کریمی، ۱۳۸۴: ۱۵۱).

کتل، صفات را بر این اساس که خود را به چه صورتی نشان می‌دهند، به سه دسته تقسیم کرده است:

۱. صفات پویا: صفاتی که فرد را به سوی هدفی به حرکت در می‌آورند.

۲. صفات توانشی: صفاتی که استعداد، قابلیت و توانایی فرد را برای رسیدن به هدفی نشان می‌دهند.

۳. صفات خلقی: صفاتی که نشان دهنده خصوصیتی مانند انرژی، واکنش عاطفی، سرعت عکس‌العمل و سرعت و قوت انگیزشی هستند. (شاملو، ۱۳۸۲: ۱۷۴).

انگیزه‌های فطری و انگیزه‌های اکتسابی^{۱۰} به شرح زیر است:

کتل، واکنش‌های انسان را ناشی از دو صفت عمقی و پویا می‌داند، که نقش انگیزشی دارند (ارگ و متارگ).

منظور کتل از ارگ، انگیزه‌های ارثی و فطری هستند. تعریف کتل چنین است: استعدادی ذاتی است که به صاحب آن اجازه می‌دهد تا برای واکنش در برابر بعضی امور، آمادگی بیشتری پیدا کرده و نسبت به آن‌ها انگیزش و هیجان ویژه‌ای داشته باشد و بر اساس آن‌ها به فعالیت‌هایی که او را به هدف خاصی رهنمون می‌سازند، بپردازد. بعضی از ارگ‌هایی را که کتل مشخص کرده است از این قرارند: میل جنسی، ترس، نیاز به حمایت، کنجکاوی، نیاز به استراحت، روح اجتماعی و گریز از تنهایی خود، دوستی، سازندگی و...

متارگ یا انگیزه‌های اکتسابی، صفت پویای عمقی است که توسط محیط شکل گرفته و محصول عوامل فرهنگی - اجتماعی می‌باشد. همه انگیزه‌های غیر فطری مثل علائق، رغبت‌ها و عواطف گوناگون از جمله متارگ‌ها هستند. (کریمی، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

کتل، برای دستیابی به صفات عمقی از سه روش زیر استفاده کرد:

۱. پرونده زندگی شامل اطلاعات مربوط به گذشته فرد که از طریق پرونده‌های رسمی مراکز یا مصاحبه با دوستان و خانواده فرد به دست می‌آید.

۲. پرسش‌نامه خودسنجی^{۱۱}: عبارت است از ارزیابی و تصویری که فرد از خود ارایه می‌دهد.

۳. آزمون‌های عینی رفتار فرد از طریق این آزمون‌ها مورد بررسی و نتیجه‌گیری عملی و عینی قرار می‌گیرد.

⁵ mental structure

⁶ surface traits

⁷ source trait

⁸ constitutional traits

⁹ environmental - mold traits

¹ dynamic traits 0

¹ ability traits 1

¹ temperament traits 2

¹ Erg & Metaerg 3

¹ life records // L-data 4

¹ self- rating questionnaire // Q²-data

¹ objective tests // T-data 6

کتل، سعی کرد با استفاده از روش تحلیل عاملی در مورد این سه نوع اطلاعات به صفات عمومی شخصیت دست یابد. (شاملو، ۱۳۸۲: ۱۷۵).

او نخست با ادغام برخی صفات از فهرست آلپورت اودبرت آن را به حدود دویست صفت تقلیل داد و بعد، از خود افراد و همسالانشان خواست که آن‌ها را بر اساس این صفات، درجه‌بندی کنند. سپس با تعیین همبستگی آماری میان مابقی صفات و روش تحلیل عوامل، صفاتی که بیشترین ارتباط را با یکدیگر داشتند، مشخص کرده و آن‌ها را بیشتر مورد تحقیق قرار داد تا این که ۱۶ عامل یا صفت را به عنوان عوامل اصلی یا صفات عمقی شخصیت شناسایی کرد. (اتکینسون، ریتال. ال و همکاران، ۱۳۸۴: ۸۴/۲)

کتل برای هر یک از عوامل دو نام در نظر گرفته (به صورت صفات متضاد)، یکی برای نمره بالا و دیگری برای نمره پایین:

جدول شماره ۱: شانزده عامل شخصیت (در صفات متضاد)

نمره پایین	نمره بالا
غیرخوار	خوار
باهوش	کم هوش
هیجانی-روان رنجوری	پایدار(من نیرومند)
گستاخ و جسور	متواضع
بی خیال	آرام و متین
با وجدان	مصلحت اندیش
ماجراجو-نترش	کم رو-خجالتی
انعطاف پذیر	انعطاف ناپذیر
بدگمان	خوش باور
تخیلی	اهل عمل
زیرک و ناقلا	رک و صادق
نگران	خونسرد
متکی به خود	وابسته به گروه
ریسک کننده	محافظه کار
مرتب	نامرتب
عصبی	آرام

خود، دو نوع است: خود واقعی و خود آرمانی. خود واقعی، همان است که هر کسی هست و خود او قبول دارد و آگاه است که چنان است. اما خود آرمانی، آن است که شخص آرزو دارد باشد. تحول و رشد طبیعی انسان سبب به هم پیوستن و هماهنگ شدن این دو خود می‌شود و این حالت طبیعی فرد است. اگر اختلاف بین خود واقعی و خود آرمانی زیاد باشد، نشانه نابهنجاری بوده و حاصل آن ایجاد تنش، اضطراب و ناراحتی برای فرد است. (کریمی، ۱۳۸۴: ۱۵۳).

۲-۲- منیرو روانی پور

منیرو روانی پورمتولد ۲ مرداد ۱۳۳۳ شمسی در جفره یکی از روستاهای بوشهر است. او در معرفی خودش می‌گوید: «ظاهراً من منیرو روانی پور هستم و ظاهراً هم خدا قبول کرده و هم مردم. روانی پور با من شخصیتی متفاوت است و ما دو تا آدمیم که من حالت منشی را برای ایشان دارم. هر چه من ضعیف هستم و در برابر مرگ و مشکلات زندگی ضعف نشان می‌دهم.

¹ Allport & Oddbert

ایشان این کاره نیست و نمی داند ضعف و مرگ چیست». (سلیمان، ۱۳۷۳: ۱۱) «در جفره پدر بزرگش تبعید می شود و از همانجا او با مسائل سیاسی آشنا می گردد ولی ذهنش را این مسائل و مشکلات سیاسی منحرف نمی کند» (همان: ۱۱) «در شیراز مدتی به پرستاری و کار در مهد کودک اشتغال داشت و بعد به نوشتن داستان برای کودکان و فیلمنامه نویسی روی آورد». (شریفی، ۱۳۸۷: ۷۱۶) «در دوران تحصیل دردانشگاه، با جوان بور شیرازی آشنا شدم و سرانجام این آشنایی، ازدواجی شتاب زده بود. این جوان «شاپور جورکش» بود که در سال ۱۳۵۳ همزمان با منیرو در دانشکده ی ادبیات شیراز، فوق لیسانس زبان انگلیسی می خواند. لیکن، منیرو در خانه او نمی تواند زندگی کند و رها می کند و می رود. بدون آنکه پشتش را نگه کند. بدون آنکه عواقبش را در نظر بگیرد و شلاق سنت ها را دریابد که بر پیکرش فرود می آید و خرد و خمیرش می کند. ازدواج ناموفق و طلاق خود خواسته، او را در برابر جهان تنها می گذارد و از خودش ناامید می شود. اما وقتی اولین پاراگراف را در دفتر خاطراتش می نویسد و تمام می کند، خوشحال می شود و طغیان... و بعد مسائل انقلاب پیش می آید. در سال ۱۳۶۰ یک نفر رسماً به او می گوید که تو می توانی نویسنده باشی، با قصه هایی که تعریف می کنی، او شروع به نوشتن کرد. اولین اثرش کنیزو را در سال ۱۳۶۷ منتشر می کند». (سلیمانی، ۱۳۷۳: ۱۱) از افتخارات روانی پور، دیپلم افتخار جایزه بیست سال داستان نویسی برای مجموعه «سیریا، سیریا» و هم چنین جایزه «گلشیری» در سال ۱۳۸۳ برای داستان «رنا» از مجموعه نازلی است. منیرو روانی پور، اولین نویسنده زن از جنوب کشور است که بیشتر آثار او با شرایط اقلیمی نگاشته شده است. «روانی پور، غرابت زندگی مردم مناطق دور افتاده ی جنوب را به شیوه ی رئالیسم جادویی مارکز، تصویر می کند». (میر عابدینی، ۱۳۸۷: ۸۳۱).

۳- بررسی و

۳-۱- تحلیل انواع شخصیت و شخصیت پردازی در داستان اهل غرق منیرو روانی پور بر اساس نظریه کتل

شخصیت، عبارت است از مجموعه ی غرایز، تمایلات، صفات و عادات فردی، یعنی مجموع کیفیات مادی، معنوی و اخلاقی که فرایند عمل مشترک طبیعی، اختصاصات موروثی و اکتسابی را که در کردار و رفتار و گفتار و افکار فرد جلوه می کنند، نشان میدهد و وی را از دیگر افراد متمایز می سازد. (یونسی، ۱۳۶۹: ۲۸۹) «شخصیت ها افرادی هستند که در یک نمایش نامه یا اثر روایی دارای ویژگی اخلاقی و آگاهانه پیش شناخته اند و این ویژگی ها و گفتار و اعمالشان نشان داده می شود. انگیزه و زمینه ای که نویسنده می سازد و حالت و طبیعت اخلاقی، شخصیت را برای گفتار و عمل تشکیل می دهد». (عبداللهیان، ۱۳۸۱: ۵۳) یعقوب آژند درباره شخصیت می گوید: «شخصیت در یک اثر نمایشی یا داستانی فردی است دارای صفات اخلاقی قراردادی که با محاوره و کنش او توجیه می شود. زمینه ی رفتاری و اخلاقی شخصیت که به منظور محاوره و کنش او تدارک دیده می شود، انگیزه اش را بوجود می آورد». (آژند، ۱۳۷۲: ۳۳)

«اشخاص ساخته شده ای را که در داستان و نمایش و ... ظاهر می شوند، شخصیت می نامند. شخصیت، در اثر روایی یا نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او در عمل و گفتارش وجود داشته باشد. خلق چنین شخصیت هایی را که برای خواننده در حوزه ی داستان تقریباً مثل افراد واقعی جلوه می کنند، شخصیت پردازی می خوانند». (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۸۴)

برخی از نویسندگان نیز اعتقاد دارند که هنگام بررسی شخصیت های داستانی نباید پنداشت یا اصرار کرد که آن ها واقعی هستند، چرا که در داستان های واقع گرایانه که شامل اغلب رمان ها و داستان های کوتاه می شود، نویسندگان کوشیده اند شخصیت ها یشان هر چه بیشتر شبیه آدم های واقعی باشند. بنابراین بهترین نویسندگان واقع گرا کسانی هستند که خوانندگان هنگام خواندن داستان های آن ها، ناگهان متوجه شوند رفتار اشخاص داستان را، پیش تر، خود تجربه کرده اند. «هیچ شخصیتی در کتاب، یک شخصیت واقعی نیست، حتی اگر در یک کتاب تاریخ باشد. شخصیت های داستان شبیه آدم های واقعی هستند؛ اما در عین حال به آن ها شباهتی ندارند». (اسکولز، ۱۳۷۷: ۱۹)

الف- شخصیت خیال پرداز

خیال پرداز بودن از دیگر مشخصه‌های نظریه کتل است که ردپای آن را می‌توان در شخصیت‌های اهل غرق نمایان ساخت. انسان خیال پرداز، از واقعیت‌گریزان می‌شود و تصورات ذهنی خود را بر امور واقعی ترجیح می‌دهد که این صفت در رفتار اهالی و شخصیت‌های رمان اهل غرق جلوه بارزی دارد. حرف زدن با خود و با جمادات و تشبیهات غریب و بی سابقه در رمان مذکور، نشان دهنده قدرت تخیل و ذهن خیال‌پرداز است.

واقعیت و خیال در آثار روانی پور دوش به دوش هم در داستان‌ها حضور دارند به گونه‌ای که جدا کردن آن‌ها از یکدیگر غیرممکن است. عناصر خیالی در آثار این نویسنده در بستری از حقایق جغرافیایی و تاریخی اتفاق می‌افتد و چنان با آن تنیده می‌شود که خواننده آن را بخشی از حقایق به شمار می‌آورد.

در رمان اهل غرق، «بوسلمه»، صاحب بدخلق و زشت‌روی دریا، می‌خواهد عروسی بگیرد و به دنبال مرد جوان زیباروی نی‌زنی از جفره می‌فرستد.

شخصیت خیال پرداز

بوسلمه

مه جمال، به قول کتل به جستجوی «خود آرمانی» است. خودآرمانی آن است که شخص آرزو دارد باشد. هر انسانی آرمان‌ها و آرزوهایی دارد که در صدد دستیابی به آنهاست. به عبارت دیگر، هر انسانی دارای «خودآرمانی» است که سعی دارد خود را شبیه آن سازد و به آن برساند. خودآرمانی به ما انگیزه تلاش می‌دهد و اهداف ما را تنظیم می‌کند.

مه جمال حاصل ازدواج مخفیانه پری دریایی مورد علاقه بوسلمه با یکی از پسران زیباروی جفره است که دور از چشم بوسلمه در آنجا زندگی می‌کند. با پری دریایی به خشکی می‌آید و دمش را با پای همسر زایر احمد عوض می‌کند. (روانی پور، ۱۳۸۳: ۷۸).

شخصیت خیال پرداز

مه جمال

زنی به نام ستاره آن قدر می‌دود تا تبدیل به مرغ دریایی می‌شود. (همان: ۷۸).

شخصیت خیال پرداز

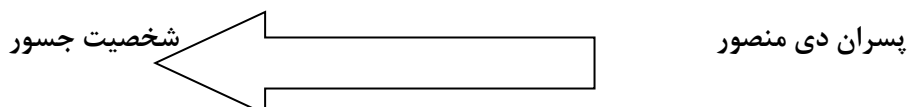
ستاره

مادر آبی مه جمال برای دیدن فرزندان پسرش به ساحل می‌آید. فرزند اول مه جمال و خیزو هنوز به دنیا نیامده، به ساکنان هشدار می‌دهد و سخن می‌گوید و فرزند دوم آنان بعد از تولد گریه نمی‌کند. این وقایع عجیب و خیالی در محیطی رئالیستی و عادی رخ می‌دهد که مردمانش با روابطی ساده و صمیمانه در تعامل هستند.

از دیگر مؤلفه‌های مهم در آثار روانی پور حضور ارواح مردگان است. مردگان در داستان‌های روانی پور، حضوری تأثیرگذار دارند. این مسئله در رمان اهل غرق به طور مداوم تکرار می‌شود. «در جهان بدوی جفره، غرق‌شدگان به دیار نیستی نرفته‌اند، آن‌ها زیر آب منتظر رهایی‌اند. وقتی مه جمال سفرش را به زیر آب آغاز می‌کند، یکی یکی غرق‌شدگان جفره را می‌بیند» (حنیف، ۱۳۹۷: ۱۹۱). «وقتی از کنار کشتی شکسته‌ای گذشت، ایستاد. کشتی را می‌شناخت. جلوتر رفت و پسران دی‌منصور را دید که هنوز ته دریا در عمق آب‌های سبز با کشتی کلنجر می‌رفتند تا آن را برای بازگشت به آبادی تعمیر کنند... و مردگان دریا خیلی دیر باور می‌کنند، باور می‌کنند که هیچ بازگشتی نیست» (روانی پور، ۱۳۶۸: ۲۸).

ب- شخصیت جسور

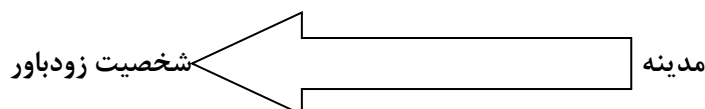
از دیگر مؤلفه‌های شخصیتی نظریه کتل که در شخصیت پسران دی منصور مشاهده می‌شود جسور بودن و گستاخی است. «جسور بودن یعنی در امری اصرار ورزیدن و دلیری کردن، گستاخی» (معین، ۱۳۶۴: ذیل جسور) این کلمه در فرهنگ دهخدا نیز اینگونه معنی شده است «دلیر، گستاخ، بی باک» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه جسور). بنابراین جسور بودن و پافشاری در امری می‌تواند نمودهای گوناگونی داشته باشد، که نمونه این پافشاری و گستاخی در مردگان دریا مشاهده می‌شود.



همین مردگان آب‌های خاکستری بر روی آب ظاهر می‌شوند: «پسران دی منصور تعمیر کشتی را تمام کرده بودند؟ بوی آدمیزاد کارایی داستان‌شان را بیشتر کرده بود و مردان مغروق دیگر که مه‌جمال در سفر دریایی خود در عمق آب‌های سبز دیده بود، روی آب می‌آمدند، انگار که روی زمین قدم بر می‌دارند. با شتاب می‌آمدند، بی‌آنکه هیچ ترس و واهمه‌ای از بوسلمه داشته باشند، بی‌آنکه هر لحظه برگردند و پشت‌سرشان را نگاه کنند» (روانی پور: ۵۹).

در رمان اهل غرق، زنان در هنگام ماه‌گرفتنی معتقدند که مادر زشت‌روی غول بدنام دریاها، بوسلمه، دست بر گردن ماه کرده است و می‌خواهد او را بکشد و در این هنگام زنان بر روی طبل می‌کوبند تا ماه را از دست او نجات دهند: «مدینه با صدای زایر دست از وهچیره کشید؛ آبی‌ها در جستجوی ماه به آبادی رو کرده‌اند و اگر بدانند که ماه، توی آسمان مرده است، ناگهان دق می‌کنند و روی زمین می‌میرند. وقتی مدینه طبل‌ها را از اتاق کنار پنج‌دری بیرون آورد تا بر آن‌ها بکوبد و به آبی‌ها بگوید که مردم آبادی ماه را پنهان نکرده‌اند، زن‌ها بی‌آنکه از کارهایش سردرآورند پا به پای او تا نزدیک ساحل رفتند. مدینه با ضرب‌دستی که تا آن روز به یاد هیچ‌کس نمی‌آمد بر طبل کوبید و ناگهان جهان پر از صدای طبل شد... زن‌ها بر طبل‌ها می‌زدند، دی‌منصور و بوبونی دیگ‌های مسی را به کنار ساحل می‌آوردند و صدای خوشی از زبان مدینه می‌گفت که دی‌زنگرو باید ماه را رها کند؛ ماه که نشانه‌ی روشنایی و مهر است» (همان، ۱۳۶۸: ۱۷۳).

زود باور بودن از دیگر مشخصه‌های شخصیت برناردکتل است که در شخصیت «مدینه» دیده می‌شود.



جدول شماره ۲: رمان اهل غرق و شخصیت کتل

اهل غرق	صفات کتل
بوسلمه	شخصیت خیال پرداز
ستاره	شخصیت خیال پرداز
مه جمال	شخصیت خیال پرداز
مدینه	شخصیت زودباور
پسران دی منصور	شخصیت جسور

۴- نتایج و یافته‌های تحقیق

منیرو روانی‌پور از مهم‌ترین نویسندگان زن بعد از انقلاب است که توانسته است با آثار خود، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات داستان‌نویسی به دست آورد.

با توجه به داستان اهل غرق روانی پور، وی کمتر به شخصیت مقبول پرداخته است و اطلاق صفت نابهنجار رفتاری بی ارتباط با رفتارهای غیر عادی در داستان های وی نیست. بیشترین شخصیت داستان های روانی پور را از دیدگاه کتل شخصیت احساساتی تشکیل می دهد.

در داستان اهل غرق منیرو روانی پور بسامد طیف شخصیت داستانی او از دیدگاه تیپ شخصیتی کتل مشخص و بررسی شده است.

جدول شماره ۳: بسامد طیف شخصیت داستانی اهل غرق روانی پور از دید تیپ شخصیتی کتل

تعداد	تیپ شخصیتی
۳	شخصیت خیال پرداز
۳	شخصیت جسور
۱	شخصیت زودباور

در این مقاله و با توجه به ۱۶ عامل و صفات شخصیتی ریموند برنارد کتل می توان گفت که بسامد اعمال منفی و غیر عادی در شخصیت های داستانی منیرو روانی پور بسیار زیاد است و این امر شخصیت های داستان های وی را از یک انسان عادی به یک فردی با قدرت تعقل پایین یعنی «احساساتی» سوق می دهد.

بنابراین با توجه به شواهد مثالی که از رفتار و کردار شخصیت های داستان اهل غرق منیرو روانی پور قابل مشاهده است، می توان نتیجه گرفت، رفتارهای نابهنجار در داستان اهل غرق وی نمود قابل توجهی دارد و این امر زمینه ساز بروز رفتارهای ضداجتماعی می شود که با تحلیل و بررسی آن رفتارها بر پایه نظریه کتل، مشاهده می کنیم که اغلب شخصیت های داستان اهل غرق منیرو روانی پور دارای شخصیتی با تعقل پایین بوده که این امر در رفتارشان به طور ذاتی نهادینه شده است.

منابع و مأخذ

- آژند، یعقوب (۱۳۷۵)، فرهنگ اصطلاحات ادبیات داستانی. مجله ادبیات داستانی. شماره ۴۰ تابستان. صص ۱۳-۱۹.
- آلوت، میریام (۱۳۶۸)، رمان به روایت رمان نویسان. ترجمه محمدعلی حق شناس، تهران: مرکز
- اتکینسون، ریتال. ال و همکاران (۱۳۸۱) زمینه روان شناسی، محمدنقی براهنی و همکاران، تهران، رشد، چاپ دهم.
- اسمیت، ادوارد و دیگران (۱۳۸۴) زمینه روان شناسی هیلگارد، نصرت الله پورافکاری، تهران، آینده سازان: شهراب، چاپ اول.
- اسکولز، رابرت (۱۳۸۷) عناصر داستان، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.
- براهنی، رضا (۱۳۶۸)، قصه نویسی. تهران: البرز.
- (۱۳۷۱)، جنون نوشتن. تهران: البرز.
- پارسا، محمد (۱۳۸۳) زمینه نوین روان شناسی، تهران، بعثت، چاپ بیستم.
- پیرسن، کارول اس و هیو کی مار. (۱۳۹۱). زندگی برزنده من. ترجمه کاوه نیری. چ ۶. تهران: بنیاد فرهنگ زندگی.
- پیرسن، کارول اس. (۱۳۹۳). بیداری قهرمان درون. ترجمه فرناز فرود. چ ۱. تهران: کلک آزادگان.
- حنیف، محمد؛ حنیف، محسن (۱۳۹۷) بومی سازی رئالیسم جادویی در ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حنیف، محمد (۱۳۷۹) راز و رمزهای داستان نویسی، تهران: نشر مدرسه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه، تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا.
- رضایی، سیده نرگس (۱۳۹۵) بررسی و تحلیل حضور عناصر فولکوریک در داستان های منیرو روانی پور (اهل غرق، سیریا سیریا، سنگ های شیطان و کنیزو)، نشریه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۴۰، بهار، صص ۱۳۵-۱۰۵.
- روانی پور، منیرو (۱۳۸۳) اهل غرق، تهران: قصه.
- سلیمانی، فرامرز (۱۳۷۳)، با منیرو روانی پور و اهل غرق و سیریا، آرش، شمره ۴۸ و ۴۷.

- سیاسی، علی‌اکبر (۱۳۵۴) نظریه‌های مربوط به شخصیت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- سیگر، لیندا (۱۳۸۰) خلق شخصیت‌های ماندگار. ترجمه عباس اکبری، تهران: سزوش.
- شاملو، سعید (۱۳۸۲) مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌پزشکی، تهران، رشد، چاپ هشتم.
- شریفی، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ نشر نو.
- شکری، فدوی (۱۳۸۶) واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر ایران، تهران: نگاه.
- شولتز، دوان و شولتز، آلن سیدنی (۱۳۸۹) نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، نشر ویرایش، چاپ هفدهم.
- عسگری حسنگلو، عسگر (۱۳۸۷)، نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی با تأکید بر ده رمان برگزیده، تهران: فرزانه روز.
- کریستنسن، یان، واگنرهاگ، هالیدی، سباستین (۱۳۸۵) روان‌شناسی عمومی، ترجمه ابولقاسم بشیری و دیگران، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۹) روان‌شناسی شخصیت، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ ۲۳.
- لارنس، پرین (۱۳۶۶)، تاملی دیگر در باب داستان. ترجمه محسن سلیمانی، تهران: حوزه هنری.
- لوو، کاترین (۱۳۸۱) شناخت هنر رمان. ترجمه محمدرضا قلیچ‌خانی، تهران: روزنه.
- مالمیر، تیمور؛ بافقی، علی‌رضا (۱۳۹۳) تحلیل ساختاری رمان اهل غرق، متن‌پژوهی ادبی، شماره ۶۰، تابستان، صص ۲۳-۸.
- معین، محمد (۱۳۸۲) فرهنگ فارسی. تهران: ساحل.
- میر صادقی، جمال (۱۳۷۶) ادبیات داستانی (قصه، رمان، داستان)، تهران: سخن.
- (۱۳۸۲) داستان نویسی‌های نام‌آور معاصر ایران، تهران: اشاره.
- (۱۳۸۱) جهان داستان (ایران)، تهران: اشاره.
- (۱۳۸۵) عناصر داستان، تهران: سخن.
- میر عابدینی، حسن (۱۳۸۶) صد سال داستان نویسی در ایران، تهران: چشمه.
- نوردبای، هال. اس. کالوین و رنون، جی. (۱۳۷۵) مبانی روان‌شناسی تحلیلی یونگ. ترجمه محمدحسین مقبل. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- نیکوبخت، ناصر؛ رامین‌نیا، مریم (۱۳۸۴) بررسی رئالیسم جادویی و تحلیل رمان اهل غرق، پژوهش‌های ادبی، شماره ۸، تابستان، صص ۱۵۴-۱۳۹.
- هال. کالوین اس و ورنون، جی نوردبی. (۱۳۷۵) مبانی روان‌شناسی تحلیلی یونگ. ترجمه محمدحسین مقبل. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- یونسی، ابراهیم (۱۳۶۹) هنر داستان نویسی، تهران: نگاه.